

غلامعلی چگینی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۵

سیدرضا موسوی‌نیا^۲ فرشید ایمنی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۰

چکیده

از زمان تشکیل سه کشور ترکیه، سوریه و عراق، حوزه رودخانه‌های دجله و فرات همواره تنش‌های مختلف آبی را تجربه کرده است؛ به‌علاوه اجرای پروژه‌های آبی متعدد از سوی این کشورها (به‌خصوص کشور ترکیه) بر شدت این تنش‌ها افزوده است. اتمام پروژه‌های GAP و تغییر آب و هوایی در سطح گسترده و متعاقب آن تنش‌های ناشی از کاهش شدید منابع آبی، می‌تواند به زمینه‌ای برای بروز تنش‌های سیاسی میان کشورهای ترکیه، سوریه و عراق تبدیل شود که در این پژوهش با بهره‌گیری از این فرضیه به بررسی تاثیر این موضوع بر روابط سیاسی میان کشورهای این حوزه آبی پرداخته می‌شود. در این مقاله وضعیت آب در هر سه کشور و تنش‌های آبی داخلی و منطقه‌ای میان آنها با استفاده از نظریه مکتب کپنهاگ در ابعاد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نیز نشان می‌دهد که موضوع مناقشات آبی در این حوزه به‌دلیل تاثیرگذاری بر صنعت کشاورزی، افزایش بیکاری، فقر، مهاجرت، خشک شدن تالاب‌ها و رودها، شکل‌گیری پدیده گرد و غبار و بحران مشروعیت، چهار بعد امنیت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) را با خطر جدی مواجه نموده است. با این وجود به‌دلیل ضعف نظامی دو کشور عراق و سوریه و توان بالای ارتش ترکیه نسبت به این دو کشور، نمی‌توان احتمال تهدید امنیت نظامی را در آینده‌ای نزدیک متصور بود.

واژگان کلیدی: مناقشات آبی، ترکیه، سوریه، عراق، مکتب کپنهاگ، امنیت آبی.

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. chegnizadeh@yahoo.com

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. seyedreza_mousavi54@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. f.imani.63@gmail.com

مقدمه

منطقه خاورمیانه، منطقه‌ای خشک و نیمه خشک محسوب می‌شود و افزایش سریع جمعیت و رشد اقتصادی و همچنین تغییر سبک و الگوی زندگی موجب افزایش مصرف و تقاضای آب می‌گردد که در این شرایط احداث سدها و استفاده بی‌رویه و یک‌جانبه از منابع آبی و همچنین عدم توجه به عواقب زیست‌محیطی این اقدامات می‌تواند موجب بروز منازعات و درگیری‌های خطرناک میان کشورها و گروه‌های انسانی گردد (عراقچی، ۱۳۹۴؛ ۱۱۰-۱۱۱). با بررسی اطلاعات و داده‌های مختلف به آسانی می‌توان نتیجه گرفت که بحران آب در منطقه خاورمیانه شرایط پیچیده و حادی را دارد. بر اساس برآوردهای بانک جهانی کشورهای این منطقه با وجود داشتن ۵ درصد از جمعیت جهان، صاحب ۹ درصد از منابع قابل دسترسی آب می‌باشند. در خصوص اهمیت تنش‌های آبی در منطقه خاورمیانه می‌توان به جمله پطروس غالی دبیر پیشین سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ اشاره نمود: «جنگ بعدی در خاورمیانه بر سر آب خواهد بود». در سال ۲۰۰۱، کوفی عنان نیز جملات مشابهی را مطرح نموده است: «رقابت شدید بر سر منابع آب ممکن است عاملی برای درگیری و جنگ در آینده باشد.» در حال حاضر تنش‌های بسیاری در منطقه خاورمیانه بر سر منابع آبی وجود دارد که از مهمترین آنها می‌توان به مناقشات مربوط به کشورهای اطراف رود اردن بر سر منابع آبی در آن منطقه، سدسازی ترکیه بر سرچشمه‌های منابع آبی مشترک با کشورهای عراق و سوریه (به‌خصوص طرح بزرگ اتاتورک و سد ایلیسو) و تنش‌های میان کشورهای ایران و افغانستان در خصوص حقایق رود هیرمند اشاره نمود (رفیعی، ۱۳۹۵؛ ۳۴، ۳۵).

به‌نظر می‌رسد که اتمام پروژه‌های GAP و تغییر آب و هوایی در سطح گسترده و متعاقب آن تنش‌های ناشی از کاهش شدید منابع آبی می‌تواند به زمینه‌ای برای بروز تنش‌های سیاسی میان ایران، عراق و ترکیه تبدیل شود که در این پژوهش با بهره‌گیری از این فرضیه به بررسی تاثیر این موضوع بر روابط سیاسی میان کشورهای منطقه (به‌خصوص روابط سیاسی کشورهای ترکیه، سوریه و عراق) پرداخته می‌شود. این پژوهش، پژوهشی توضیحی - تبیینی می‌باشد که در آن در خصوص اهمیت و نقش آب در شکل‌گیری تنش‌ها و منازعات توضیحاتی ارائه می‌شود و رابطه میان آنها را تبیین می‌نماید. استراتژی این پژوهش قیاسی و گونه آن کاربردی می‌باشد. همچنین تحلیل موضوع با استفاده از نظریه کپنهاگ انجام پذیرفته است.

در ادامه این مقاله ابتدا ادبیات پژوهش مطرح و سپس چارچوب نظری شرح داده می‌شود. در بخش‌های بعد، در خصوص تنش‌های آبی در حوضه رودخانه دجله و فرات و دلایل شکل‌گیری و تاثیر آن بر منازعات داخلی و همچنین روابط میان کشورهای بهره‌بردار از این حوضه آبریز مطالبی ارائه می‌گردد و در پایان نتیجه‌گیری انجام می‌شود.

ادبیات پژوهش

تاکنون در ایران کتاب‌ها، گزارش‌ها و مقالاتی در زمینه مناقشات آبی به چاپ رسیده است که از مهمترین آنها می‌توان به تحقیقات و پژوهش‌های عراقچی (۱۳۹۳ و ۱۳۹۴) و بای (۱۳۸۴) اشاره نمود که در این پژوهش‌ها، موضوعاتی، مانند هیدروپلیتیک رودهای مرزی ایران، آب‌های فرامرزی و حوضه‌های آبریز رودخانه‌های منطقه مورد بررسی قرار گرفته و به تاریخچه منازعات و عوامل موثر بر شکل‌گیری آنها پرداخته شده است. لازم به توضیح است که در این پژوهش‌ها موضوع امنیت به طور مشخص و جامع مورد بررسی قرار نگرفته و تنها به بررسی علل وقوع بحران آب و ارائه راهکار بسنده شده است. به علاوه در برخی منابع، مانند کتاب دیپلماسی آب‌های فرامرزی و نظام بین‌الملل (عراقچی، ۱۳۹۴) راهکارهایی در خصوص حل و بهبود این مشکل ارائه گردیده است که این روش‌ها با عنایت به شرایط حال حاضر منطقه چندان اجرایی به نظر نمی‌رسد.

همچنین تحقیقات و پژوهش‌های بسیار زیادی در سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی (از جمله سازمان ملل) انجام گرفته است که در میان آنها می‌توان به بروس لنک‌فورد و همکاران (۲۰۱۳)، برهما چلانی (۲۰۱۳)، آنتونیو یوریس (۲۰۱۵)، مانوها پاوار (۲۰۱۴)، مانوئل اسپیفلر (۲۰۱۵)، جولیت اسنیت و همکاران (۲۰۱۲)، کای وگریچ و همکاران (۲۰۱۰)، گزارش‌های بانک جهانی در سال‌های مختلف از جمله سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۸ و سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ اشاره نمود که در خصوص بحران‌های آبی منطقه خاورمیانه و جهان و همچنین وضعیت کنونی و پیشینه کمبود آب در این منطقه مطالبی را ارائه و در خصوص وقوع بحران آب در منطقه خاورمیانه در آینده هشدار داده‌اند.

با این وجود، در اکثر این تحقیقات انجام گرفته در ایران و سایر کشورها، موضوع امنیت به‌عنوان هدف اصلی پژوهش در نظر گرفته نشده است و تنها به بررسی علل وقوع و راه‌حلی احتمالی پرداخته

می‌شود. از دیگر نکات قابل ذکر در خصوص این پژوهش‌ها می‌توان به عدم بررسی حوضه آبریز رودخانه‌های دجله و فرات به صورت مجزا اشاره نمود. در تمام پژوهش‌های مذکور تمام حوضه‌های آبریز رودخانه‌های منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصل به‌عنوان راهکار کلی برای کل منطقه ارایه گردیده است که با توجه به تفاوت شرایط سیاسی، قومی، مذهبی و اقتصادی در هر یک از حوضه‌های آبی در این منطقه، ارایه یک راهکار برای تمامی حوضه‌ها امر واقع‌بینانه به‌نظر نمی‌رسد.

بر همین اساس در این پژوهش بررسی موضوع امنیت با محوریت بحران آب به‌عنوان هدف اصلی در حوضه رودخانه‌های دجله و فرات در نظر گرفته شده و این موضوع در چارچوب نظریات مکتب کپنهاگ و در ۵ حوضه امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و با بهره‌گیری از نتایج حاصل از پژوهش‌های مذکور به‌طور جامع مورد تحلیل قرار گرفته است.

چارچوب نظری

امروزه مقوله امنیت از دو دیدگاه سنت‌گرایان (دارای دیدگاه‌های نظامی و دولت محور) و فراخ‌نگران (که موضوع امنیت را در کنار مسایل نظامی از منظرهای دیگر مانند مباحث اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تحلیل می‌کنند) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صدر اندیشمندان فراخ‌گرا، پژوهش‌گران موسسه صلح کپنهاگ قرار داشتند. انتقاد اصلی این گروه به دیدگاه سنتی، محدودسازی حوزه امنیت به موضوعات نظامی و هسته‌ای بود که این موضوع خود را در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و زیست‌محیطی توسط دولت‌ها در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و همچنین مطرح شدن موضوعاتی، همانند هویت و جرایم فرامرزی نشان داد. از دیدگاه سنتی، دولت موضوع اصلی امنیت و بالاترین مرجع اقتدار حاکمیت بوده و تهدیدات خارجی بزرگترین تهدید برای امنیت می‌باشد که نظر متفکرین مکتب کپنهاگ فاصله بسیار زیادی با این دیدگاه دارد. بوزان و ویور تفاوت دیدگاه خود و دیدگاه سنتی‌تر را بدین شکل بیان می‌دارند:

آشکارترین تفاوت چارچوب تازه ما با رویکرد سنتی در بررسی‌های امنیتی، قبول دستور کار چند بخشی به جای دستور کار تک بخشی است. بر عکس بررسی‌های امنیتی که برای یک بخش (نظامی) و یک بازیگر (دولت) اولویت همیشگی را در نظر دارند و در کنار آن هرگونه پیوند و ارتباط

دیگر بخش‌ها را کم اهمیت می‌دانند، رویکرد ما شامل ابعاد و بازیگران متعدد است. رویکرد ما از نظر روش‌شناسی هم با برداشت‌های سنتی از امنیت متفاوت است؛ زیرا تعریف ما از امنیت بر پایه ساخت و پرداخت‌های اجتماعی از تهدیدها و موضوع‌های امنیتی استوار است و سنت‌گرایان برای این عوامل عینیت قائل هستند. از نظر بوزان، در کنار تهدیدات خارجی، تهدیدات داخلی نیز امنیت را به خطر می‌اندازد، دولت تنها مرجع امنیت نبوده و در شرایطی دولت می‌تواند خود به‌عنوان منبع تهدید تلقی گردد. او همچنین معتقد است که امنیت ملی دولت می‌تواند به وسیله جامعه داخلی خود متزلزل شود و به‌عنوان بزرگترین متفکر و نظریه‌پرداز این مکتب، از برداشت ساده‌انگارانه از مفهوم امنیت از دیدگاه سنتی انتقاد می‌کند. غالب متفکرین این مکتب بر تاثیر زبان، تاریخ، فرهنگ، نژاد و مرزهای سیاسی بر موضوع هویت و امنیت اتفاق نظر داشته‌اند (بوزان، ۱۳۹۰: ۶۱، وثوقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۸؛ ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۰ و آدمی، ۱۳۹۴: ۶).

بوزان پنج عامل اساسی در عقب ماندگی و توسعه نیافتگی مفهوم امنیت را پیچیدگی موضوع، حلاشده‌گی امنیت در قدرت، در شرایط مواجهه، واکنش علیه رئالیسم فراملی، ماهیت مطالعات استراتژیک و استفاده ابزاری از امنیت می‌داند (خانی، ۱۳۹۶، ۱۲۰). بوزان امنیت را نبود تهدید تعریف می‌کند؛ اما می‌بایست به این نکته نیز توجه داشت که مفهوم تهدید از دید او متفاوت از تهدید از دیدگاه سنتی بوده و دارای ابعاد مختلف از جمله نظامی (اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و برداشت آنها از نیت یکدیگر)، محیط‌زیست، اقتصادی (دسترسی به منابع، پول و وجود بازارهای لازم به منظور برقراری سطح قابل قبول رفاه و قدرت دولت)، اجتماعی (توانایی حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی) و سیاسی (ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های مشروعیت دهنده به آنها) می‌باشد. بوزان بر خلاف نظریه‌های پیشین با استفاده از دلایل زیر، سعی در موسع نمودن ابعاد امنیت می‌نماید:

- ۱- افزایش شدت روابط بین‌الملل منجر به کنش و واکنش میان انارشی و وابستگی متقابل می‌گردد؛
- ۲- با تعریف امنیت به صورت موسع، اختلاف در خصوص امنیت میان ارمانگرایان و واقع‌گرایان از میان می‌رود.

در جایی دیگر، او امنیت را مسئله‌ای بین‌الذهانی می‌داند که مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌باشد.

او همچنین معتقد است که علاوه بر دولت، مراجع دیگری مانند افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی و فراملی و تروریسم نیز از دیگر مراجع امنیت می‌باشند. اندیشمندان این مکتب ریشه ثبات و امنیت را در جامعه می‌دانند و با توجه به تفاوت‌های موجود در هر جامعه، نمی‌توان برای دستیابی به امنیت برای تمامی جوامع روشی واحد را تجویز نمود. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۵، بوزان، ۱۳۹۰: ۳۱ و آدمی، ۱۳۹۴: ۶).

مکتب کپنهاگ امنیت را از پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد که در ادامه توضیحات مختصری در خصوص آنها ارائه می‌گردد:

نظامی:

کلاسیک‌ترین برداشت از مفهوم امنیت بعد نظامی آن است که رقابت‌های تسلیحاتی و افزایش قابلیت‌های نظامی از جمله ابزار دستیابی به آن می‌باشد. دولت‌ها موضوع اصلی و حفظ یکپارچگی سرزمین هدف امنیت نظامی می‌باشد که کانون اصلی توجه آن به محیط‌های داخلی و منطقه‌ای می‌باشد. از عوامل موثر در امنیتی کردن یک موضوع در بخش نظامی می‌توان به توانایی‌های نظامی، عوامل جغرافیایی، تاریخی و سیاسی اشاره نمود. اگرچه در دوره‌ای طولانی در تاریخ سطح غالب، سطوح جهانی بود؛ ولی در حال حاضر پویش‌های امنیت منطقه‌ای در حال شکل‌گیری و گسترش می‌باشد (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶ و بوزان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

اقتصادی:

امنیت اقتصادی موضوعی بسیار مناقشه برانگیز و سیاست‌زده است. به دلیل نوع مناسبات اقتصادی در نظام لیبرال، کیفیت اجرای واحدهای اقتصادی و ناامنی ذاتی مناسبات بازار، تحلیل امنیت اقتصادی امری دشوار است و امنیتی کردن مباحث اقتصادی، راهی به منظور اتخاذ مواضع ملی‌گرایی و اقتصادی در مباحث ناظر بر سیاست‌گذاری اقتصادی می‌باشد. نظام‌های اقتصادی همانند رژیم‌ها و نهادهای سیاسی در مقابل تهدیداتی مانند عدم پذیرش یا نقض مقررات آسیب‌پذیر بوده و امکان فروپاشی آنها وجود دارد که در این صورت موضوعات اقتصادی می‌توانند به موضوعات امنیتی تبدیل شوند (بوزان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۷-۱۵۸).

اجتماعی:

در تحلیل امنیت در سطح منطقه‌ای عواملی مانند عوامل فرهنگی، مذهبی و تمدنی و همچنین

مهارت‌ها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. در منطقه خاورمیانه دولت‌هایی وجود دارند که در آنها ملت‌ها همواره بر چارچوب مرزهای دولت‌ها منطبق نیستند. در این منطقه، اقلیت‌های بی‌دولت (مانند کردها و فلسطینیان) و هویت‌های فراگیر (مانند هویت‌های اسلامی و غربی) وجود دارند که می‌توانند نقش‌های متعدد و گاه متضاد را ایفا نمایند. تلاش‌های برخی قومیت‌ها برای ایجاد هویت‌های ملی و شکاف مذهبی (میان مذاهب شیعه و سنی)، وضعیت امنیت را در این منطقه پیچیده کرده است. از نکات مهم دیگر، وجود مهاجرت‌های درون منطقه‌ای در خاورمیانه می‌باشد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۱۰).

سیاسی:

تهدیدهای این بخش می‌تواند به دو صورت نظامی و غیرنظامی باشد. بوزان معتقد است که تهدیدهای سیاسی، ثبات سازمانی دولت را هدف قرار می‌دهد که می‌تواند هدف‌های مختلفی را مانند تحت فشار قرار دادن دولت در مورد سیاستی خاص، براندازی آن، جدایی‌طلبی و از هم گسیختگی انسجام سیاسی دولت با هدف تضعیف آن و اقدامات پیش از تهاجم نظامی داشته باشد. بازیگران این عرصه علاوه بر دولت‌ها، شبه ابر دولت‌ها (مانند اتحادیه اروپا)، گروه‌های اجتماعی فاقد دولت‌ها (مانند قبایل، عشایر و اقلیت‌ها) و جنبش‌های فراملی می‌باشند که خواهان بقای خود هستند. از مهمترین تهدیدات سیاسی می‌توان به تهدیدهای عمدی و ناخواسته براساس شکاف دولت - ملت و سیاسی - ایدئولوژیک (که اغلب متوجه دولت ضعیف است) اشاره نمود. همچنین برخی تهدیدها متوجه نظم، جامعه و حقوق بین‌الملل می‌باشد که از مهمترین نمونه‌های آن می‌توان به تهاجم عراق به کویت اشاره نمود (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۳۱؛ بوزان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۷).

محیط زیست:

مسایل زیست محیطی از بعد امنیتی در مقایسه با سایر بخش‌ها، موضوعی تازه می‌باشد و تحت تاثیر شرایط به وجود آمده در دوران پس از جنگ سرد، این موضوعات به‌عنوان کانون اصلی نگرانی‌ها و علت بالقوه تنش‌های سیاسی مطرح گردیدند. بررسی پژوهش‌گران حوزه امنیت زیست‌محیطی، در زمینه اهمیت این حوزه، دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ به‌عنوان مثال برخی از پژوهش‌گران امنیت زیست‌محیطی را امنیت بنیادین و برخی دیگر آن را سبب مخدوش گشتن

معنای راستین امنیت می‌دانند و در این میان دیدگاه‌های متعادل‌تری نیز وجود دارد. تاکنون تعریف‌های مختلفی از امنیت زیست‌محیطی ارائه گردیده است که امنیت زیست‌محیطی به‌عنوان وضعیتی که یک کشور یا منطقه از رهگذر حکمروایی شایسته، مدیریت توانمند و استفاده پایدار از منابع طبیعی و محیط‌زیست، گام‌های موثری به‌سوی ایجاد ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تضمین رفاه جمعیتش بردارد، یکی از آنها می‌باشد (سازمند، ۱۳۹۲: ۱۷۶). بازیگران بخش امنیت زیست‌محیطی شامل گروه بزرگی از بازیگران مانند دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های بین‌المللی، شرکت‌های دولتی، صاحبان صنایع، بخش کشاورزی، معادن و شرکت‌های شیلات و ماهی‌گیری می‌شوند. فرسایش یا بهره‌برداری بیش از حد از منابع نیز می‌تواند باعث تنش میان کشورها گردد. به‌طور کلی زوال محیط‌زیست می‌تواند به جنگ میان دولت‌ها، ستیزهای قومی، فروپاشی سیاسی، کشمکش‌های داخلی و محرومیت‌های اقتصادی منجر شود (بوزان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۹ و ۱۳۳).

بر اساس مطالب ذکر شده در این فصل می‌توان نتیجه گرفت که مکتب کپنهاگ با تکیه بر مسایل امنیتی در دوران پس از جنگ سرد، اتخاذ روشی معتدلانه نسبت به سایر مکاتب، بکارگیری رویکرد موسع از امنیت و توجه به موضوعاتی مانند هویت، تاریخ، فرهنگ و هنجار، مسایل امنیتی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بهمین دلیل می‌توان آن را به‌عنوان الگویی مناسب برای تحلیل و درک مسایل امنیتی در سطوح مختلف مورد استفاده قرار داد. این مکتب بر خلاف نظریه‌های پیشین، امنیت را امری نظامی محور نمی‌داند و این موضوع را در پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بررسی می‌نماید که بوزان دلیل این موضوع را پایان جنگ سرد و تغییر سیاست‌ها و شرایط دولت‌ها و نظام بین‌الملل می‌داند. به دلیل فرایند خاص شکل‌گیری بیشتر دولت‌های کشورهای جهان سوم و منطقه خاورمیانه، معمولاً امنیت در تمامی بخش‌های معرفی شده در مکتب کپنهاگ مورد تهدید قرار می‌گیرد. همچنین با عنایت به اهمیت موضوع آب و تاثیر آن بر تمام شئون زندگی انسان از جمله حیات، رفاه، رشد اقتصادی و توسعه پایدار، انتظار می‌رود که مقوله مناقشات آبی در منطقه خاورمیانه نیز موضوع امنیت را در تمامی بخش‌های آن مورد تهدید قرار دهد. از این رو در این پژوهش سعی شده است که مباحث مطرح شده با تکیه بر این نظریه مورد تحلیل قرار گیرند.

یک. مناقشات آبی در حوضه رودخانه‌های دجله و فرات

دو رودخانه دجله و فرات در جنوب غربی آسیا واقع شده که سرچشمه‌های آن واقع در جنوب شرق ترکیه و در فاصله ۸۰ کیلومتری از یکدیگر قرار دارند و طول آنها به ترتیب ۱۸۵۰ و ۲۸۰۰ کیلومتر می‌باشد. این دو رود به‌همراه رود نیل سه رود بزرگ منطقه خاورمیانه را تشکیل می‌دهند. وسعت حوضه آبریز این دو رودخانه ۴۴۰ هزار کیلومترمربع می‌باشد که از این مقدار، ۴۷٪ در کشور عراق، ۲۴٪ در کشور سوریه، ۲۸٪ در کشور ترکیه، ۰/۰۳٪ در کشور اردن و ۲/۹۷٪ در کشور عربستان سعودی می‌باشد. منطقه بین‌النهرین که میان دو رود دجله و فرات واقع شده است از دیرباز شاهد سکونت بزرگترین و قدیمی‌ترین تمدن‌ها در جهان بوده است. رود فرات از سه کشور ترکیه، سوریه و عراق عبور می‌کند. رود دجله نیز با عبور از سرزمین ترکیه ۳۲ کیلومتر از مرز این کشور با سوریه را شکل داده و سپس وارد عراق می‌شود. همچنین شاخه‌هایی از این رود وارد ایران می‌شود. این دو رود در داخل خاک عراق بهم می‌پیوندند و با تشکیل شط‌العرب به خلیج فارس می‌ریزد و (Abu Ju'ub, 2003: 2). در ادامه این بخش وضعیت و تنش‌های آبی سه کشور ترکیه، سوریه و عراق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دو. ترکیه و موضوع امنیت آبی

در مقایسه با همسایگان و به لحاظ دسترسی به منابع آبی، ترکیه کشوری ثروتمند به حساب می‌آید. میانگین بارندگی در این کشور ۶۰۰ میلیمتر در سال و میزان منابع تجدیدپذیر آن ۲۲۵ میلیارد مترمکعب می‌باشد که بر اساس برآورد سازمان جهانی غذا (FAO) این کشور قادر به استفاده از نیمی از آن می‌باشد. وابستگی این کشور به منابع آب خارجی کمتر از ۱ درصد می‌باشد که در مقایسه با وابستگی عراق (۵۳٪) و سوریه (۸۳٪) رقم بسیار ناچیزی به حساب می‌آید (MacQuarrie, 2003: 9-10).

ترکیه به‌منظور افزایش سرعت رشد اقتصادی و صنعتی شدن، سیاست حمایت از بخش کشاورزی را اتخاذ کرده و به‌همین دلیل استفاده موثر از تمام ظرفیت‌های مربوط به منابع آبی را مورد توجه قرار داده است. همچنین این کشور در نظر دارد که از منابع مذکور به‌عنوان ابزاری جهت پیشبرد سیاست‌های خود استفاده نماید که در این راستا طرحی را با عنوان خط لوله صلح و در ازای دریافت

برخی تسهیلات به همسایگان عرب خود پیشنهاد نموده است. طرح خط لوله صلح، طرحی است که در آن خط لوله عظیمی جهت انتقال آب از رودخانه‌های سیحان و جیحان در ترکیه به کشورهای خاورمیانه اجرا خواهد شد که هزینه تقریبی احداث این خط لوله (که در دیدار نورگوت از آمریکا مطرح گردید) ۲۱ میلیارد دلار برآورد می‌گردد. این طرح از آدانا در ترکیه آغاز و به سوریه رسیده که در این کشور به دو شاخه تقسیم می‌شود و در انتهای مسیر خود به جده و مکه خواهد رسید. شاخه غربی این خط لوله ۲۶۵۰ کیلومتر و شاخه شرقی آن ۳۹۰۰ کیلومتر طول خواهد داشت و قادر است روزانه ۳/۵ میلیون مترمکعب آب را به کشورهای مقصد انتقال دهد. لازم به توضیح است که طرح مذکور سود قابل توجهی را نصیب کشورهای عربی نکرده و با اجرای این پروژه و کاهش حجم آب ورودی به کشورهای عراق و سوریه، این کشورها با زبان‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه خواهند شد (موغلی، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

به علاوه، طرح‌های بزرگ اقتصادی ترکیه از جمله پروژه‌های جنوب شرقی آناتولی (Guneydogu Anadolu Projesi یا GAP) با محوریت کنترل آب دجله و فرات و با هدف افزایش تولید برق (شامل ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه) و محصولات کشاورزی، بالا بردن کیفیت زندگی مردم ساکن در این منطقه و افزایش درآمد ناشی از صنعت گردشگری نیز در دست انجام است. اگرچه در ابتدا تمرکز اصلی این پروژه بر روی پروژه‌های آبی این کشور بود، در دو دهه اخیر نیاز به توسعه مناطق جنوبی (که از هر لحاظ نسبت به سایر مناطق عقب‌مانده‌تر بوده است) نیز مورد توجه قرار گرفته است و از این رو اهمیت این پروژه بسیار بیش از گذشته می‌باشد (MacQuarrie, 2003: 13). پروژه GAP عامل اصلی مهم‌ترین تنش آبی در خاورمیانه بوده که در منطقه‌ای با مساحت ۷۳۸۶۳ کیلومتر مربع (معادل ۹/۵ درصد خاک ترکیه) در دست اجرا می‌باشد. این پروژه نیز موجب نگرانی دو کشور عربی شده است که علت این نگرانی، تسلط ترکیه بر رودخانه‌های دجله و فرات خواهد بود. این امر به ترکیه نقشی ژئواستراتژیک می‌دهد که توانایی اعمال فشار بر دو کشور عراق و سوریه را از طریق اهرم آب به‌منظور دستیابی به خواسته‌های خود خواهد داشت؛ به‌عنوان مثال برخی از محققین معتقدند که ترکیه در آینده قادر خواهد بود تا با ارایه پیشنهاد نفت در برابر آب، در مقابل ازاد کردن آب به‌سوی عراق از این کشور تقاضای نفت رایگان نماید. بر اساس برآوردهای انجام شده این طرح می‌تواند ۵۰٪ تا ۷۰٪ از حجم آب ورودی به عراق را کاهش دهد (برقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰).

در حال حاضر ترکیه با اراده خاصی پروژه آناتولی جنوبی (که مربوط به حوضه آبریز دو رودخانه دجله و فرات است) را پیگیری و اجرا می‌نماید که اگرچه این موضوع تبدیل به مسئله‌ای ناراحت کننده برای همسایه‌های جنوبی این کشور (عراق و سوریه) گشته است؛ اما به نظر می‌رسد که انگیزه‌های مرتبط با سیاست داخلی و خارجی، کمبود انرژی در ناحیه جنوبی این کشور و مشکلات مالی دلیل اصلی اهمیت این پروژه برای دولت‌مردان ترکیه می‌باشد. قبل از تعریف پروژه GAP، پروژه‌های ملی در ترکیه بیشتر مربوط به حوزه انرژی بود. اهمیت انرژی در اواسط دهه ۱۹۷۰ آشکار گردید و طی یک دهه بعد این کشور ۵/۷ میلیارد دلار را صرف واردات نفت نمود. افزایش واردات نفت در سال‌های بعد نیز ادامه داشت و در سال ۱۹۸۸، این رقم به ۲/۶ میلیارد دلار رسید. با این وجود و با افزایش حجم واردات نفتی و به دلیل غیراقتصادی و خطرناک بودن استخراج ذغال سنگ در معادن جنوبی این کشور، ترکیه با بحران انرژی روبه‌رو شد. در این زمان، تولید انرژی ۳۳ درصد افزایش داشت و در مقابل میزان مصرف آن رشد ۱۷۲ درصدی را تجربه نمود. با بروز این مشکل، مسئولان کشور ترکیه به دنبال یافتن راهکار موثر در این زمینه رفتند و تحقیقات گسترده در زمینه پتانسیل آبی آغاز گردید. این تحقیقات نشان داد که سالانه ۱۸۵ میلیارد مترمکعب آب توسط ۲۶ رودخانه از سرزمین ترکیه عبور می‌کند که پیش‌بینی شد در سال ۲۰۰۰، نیاز بخش کشاورزی به ۶۲ میلیارد مترمکعب برسد. این تحقیق پیشنهاد می‌داد که باقیمانده این آب نیز می‌تواند به مصرف کشاورزی و همچنین تولید برق برسد. برآورد می‌شود که ترکیه توانایی تولید ۳۵۶۱۸ مگاوات برق را از نیروگاه‌های برقی - آبی دارد که بر همین اساس طرح احداث ۴۰۰ نیروگاه از این نوع نیز در این کشور در دست اجرا می‌باشد. در سال ۲۰۰۱، میزان تولید برق در نیروگاه‌های آبی این کشور ۹/۳ درصد از کل برق تولیدی در این کشور بود که این رقم با بهره‌برداری از بخشی از پروژه‌های GAP به ۲۰ درصد رسید که با توجه به پیش‌بینی افزایش ۳۰۰ درصدی تقاضای انرژی در این کشور، دولت ترکیه سرعت انجام پروژه‌های آناتولی جنوبی را افزایش داده است. افراد ساکن در مناطق جنوبی ترکیه (که در محدوده این پروژه قرار دارند) در حدود ۷ میلیون نفر می‌باشد. رشد جمعیت در این مناطق ۲ برابر رشد جمعیت در کشور می‌باشد. دیگر نکته حایز اهمیت در خصوص این منطقه، اشتغال ۷۰ درصدی مردم روستایی در بخش کشاورزی بوده که ۳۰ درصد تولید این منطقه را شکل می‌دهند. علاوه بر مسایل اقتصادی، موضوع کردهای ساکن در منطقه GAP نیز مسئله‌ای مهم

می‌باشد که به‌طور مستقیم و فارغ از مسایل اقتصادی و اجتماعی، با این پروژه در ارتباط می‌باشند. اقوام کرد که در ۴ کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه ساکن هستند، در نیمی از این منطقه زندگی می‌کنند. کردهای ساکن در ترکیه تفاوت‌های آشکار قومیتی و فرهنگی با دیگر ساکنین این کشور داشته و این موضوع سرچشمه اختلافات جدی آنها با دولت مرکزی گردیده است که شاخص‌ترین نماد مخالفت آنها حزب PKK (حزب کارگران کردستان) می‌باشد که توسط دولت ترکیه به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته می‌شود. موضوع کردها که با به قدرت رسیدن مصطفی آتاتورک و شکل‌گیری ترکیه امروزی به‌وجود آمد، موضوعی عمیق‌تر از یک مبارزه مسلحانه اقلیتی علیه دولت مرکزی خود می‌باشد و شکل‌گیری آن به تلاش دولتمردان پیشین و معاصر ترکیه در خصوص اشاعه و گسترش ملی‌گرایی ترکی، انکار وجود اقوام کرد ساکن در این کشور (برجسته‌ترین نمونه این موضوع ترک‌های کوهی خواندن کردها توسط دولت ترکیه می‌باشد)، حذف فرهنگ کردی و جایگزینی آن با فرهنگ ترکیه (عثمانی)، تلاش برای جایگزینی زبان ترکی به جای کردی و عدم صدور شناسنامه و مدارک مربوط به مالکیت اموال برای کردهای ترکیه می‌باشد.

نتایج حاصل از سرکوب تاریخی در سال ۱۹۵۰ و آغاز پروژه مدرن‌سازی ترکیه به‌منظور ساختن دولت ملی موجب تغییر سیاست‌های دولت در قبال کردهای ساکن در این کشور گردید و چنین تصور می‌شد که هویت اقوام کرد به سادگی در هویت ترکی ذوب گردد. با این وجود، این اتفاق رخ نداد و موضع کردها نیز در این خصوص سخت‌تر و به سمت حرکات استقلال‌طلبانه رفت. ادامه اصرار بر سیاست‌های نژادپرستانه و ملی‌گرایانه از سوی دو طرف موجب عمیق‌تر شدن شکاف میان کردها و دولت مرکزی گردید که تا به امروز نیز اقلیت کرد بزرگترین گروه قومی مخالف دولت باقی‌مانده‌اند و از سوی دولتمردان این کشور به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی شناخته می‌شوند و همواره به تلاش برای تجزیه کشور ترکیه متهم می‌شوند. از اوایل دهه ۱۹۸۰، دولت ترکیه به ارتباط میان عقب‌افتادگی اجتماعی و اقتصادی در منطقه جنوبی آناتولی و امنیت آن و معضل کردها پی برد و تعریفی جدید از پروژه GAP ارایه نمود تا با بالا بردن سطح زندگی کردها و دیگر ساکنین این منطقه، روشی جدید را به‌منظور ادغام اقوام کرد در ملت ترکیه به اجرا گذارد. با این وجود این اقدامات نیز نتیجه‌ای عکس را در پی داشت و در سال ۱۹۸۴ و همزمان با رونمایی طرح‌های پروژه GAP، حزب کارگران کردستان نیز موجودیت خود را اعلام نمود (MacQuarrie, 2003: 10-11, 17-19).

در ابتدا، اجرای پروژه موجب ترس اقوام کرد از اجبار بر کوچاندن اجباری آنها از سرزمین مادری خود توسط دولت مرکزی ترکیه گردید که مهمترین دلیل این امر آواره شدن ۲۱۰۰۰۰ نفر از ساکنین منطقه (در بیش از ۳۰۰ روستا) به دلیل پر شدن مخازن سدهای کوبان، کارکایا و آتاتورک بود. همچنین پر شدن مخازن سدها به معنی زیر آب رفتن هزاران هکتار از سرزمین‌های مادری کردها و مکان‌های تاریخی و قومی آنها بود که این موضوع نیز به بی‌اعتمادی آنها به دولت مرکزی و افزایش اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های کرد دامن می‌زد و دیدگاه اقوام کرد بر این اساس شکل گرفته بود که دولت قصد دارد از آب به‌عنوان یک سلاح علیه فرهنگ، هویت و به‌طور کلی اقوام کرد استفاده نماید. در سال ۱۹۸۴ و با حمله PKK به تاسیسات و تجهیزات ساختمانی پروژه سد آتاتورک، ۱۱۰۰ خودرو و ماشین‌آلات دولت ترکیه نابود گشت که این امر پروژه را با مشکلات بسیاری مواجه نمود و باعث تاخیر بسیاری در روند اجرایی پروژه گردید. همچنین حمله مشابه دیگری نیز در سال ۱۹۸۶ به وقوع پیوست که این حمله توسط پلیس ترکیه خنثی شد.

در سال ۱۹۸۷، پیمانی میان دو دولت ترکیه و سوریه با هدف افزایش فشار بر گروه‌های مسلح کرد (به‌خصوص PKK) و آب رود فرات به امضا رسید که در این پیمان دولت سوریه (به ریاست جمهوری حافظ اسد) با بازی با کارت این حزب کرد، امنیت آبی خود را تضمین نمود. لازم به توضیح است که حافظ اسد (ریاست‌جمهور وقت سوریه در خلال سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ میلادی) به‌خوبی از این موضوع آگاهی داشت که با پیشرفت پروژه GAP درصد قابل توجهی از آب ورودی رود فرات به کشور سوریه کاهش خواهد یافت و موجب به خطر افتادن امنیت غذایی و انرژی این کشور خواهد گردید. از این‌رو او آگاهانه با بازی با کارت گروه‌های چریک مخالف دولت مرکزی ترکیه (از جمله گروه‌های کرد، گروه‌های استقلال طلب قبرس و ارتش مخفی ارمنستان) سعی در گرفتن امتیاز در زمینه امنیت آبی از ترکیه نمود و به‌همین دلیل اجازه تاسیس کمپ‌های آماده‌سازی در خاک سوریه را به گروه‌های مذکور داد. یکی از کسانی که از این فرصت بهره گرفت، عبدالله اوجالان بود که سال‌ها بعد به رهبری حزب کارگران کردستان رسید. حافظ اسد با واردات سلاح از اتحاد جماهیر شوروی به حمایت از حزب کارگران کردستان پرداخت و به آنها اجازه تاسیس کمپ در دره بکا داد و به اوجالان و افسران در خانه‌های امن دولتی در خاک سوریه پناه داد. او همچنین اصرار داشت تا حملات این گروه به نیروهای ترکیه از خاک عراق (و نه سوریه) انجام شود. بالا گرفتن درگیری‌های

خسونت‌آمیز و مسلحانه سبب شد که بانک جهانی از اعطای وام به ترکیه جهت پیشبرد پروژه GAP خودداری کند. این موضوع باعث گردید تا در سال ۱۹۸۷، رییس‌جمهور وقت ترکیه تورگوت اوزال به‌صورت شفاهی به اسد تضمین ورود ۵۰۰ مترمکعب در ثانیه آب را از رود فرات به این کشور دهد که این موضوع هیچ‌گاه به‌صورت توافقنامه‌ای میان دو کشور رسمیت نیافت. در اواخر سال ۱۹۹۰ و با کم شدن تحمل ترکیه و همچنین آگاهی این کشور از نیاز سوریه به آب رود فرات جهت تولید برق و تامین آب حلب، ترکیه اقدام به کاهش حجم آب ورودی رود فرات به سوریه به کمتر از ۲۰۰ مترمکعب در ثانیه نمود که این موضوع باعث گردید تنش میان دو کشور افزایش یابد. به عبارت دیگر، ترکیه نیز با استفاده از آب به‌عنوان اهرم فشار، سعی در وادار کردن سوریه به قطع حمایت از گروه‌های مخالف کرد که سوریه با انتقال کمپ‌ها به مناطق دیگر درصدد کاهش تنش‌ها و احتمال وقوع درگیری نظامی دو کشور برآمد. در سال ۱۹۹۵، PKK عملیاتی را در استان هاتای (در ترکیه) آغاز نمود که این موضوع موجب ایراد اظهارات جنگ‌طلبانه از طرف ترک و تقاضا برای افزایش حجم آب ورودی رود فرات از سوی دولتمردان سوری گردید. در سال ۱۹۹۸ نیز ترکیه از دمشق خواست تا از حمایت و پشتیبانی از گروه PKK دست کشیده و خانه‌های امن خود را در اختیار عبدالله اوجالان قرار ندهد (MacQuarrie, 2003: 34-36).

تنش‌های مذکور میان دو کشور تا سال ۱۹۹۸ ادامه داشت که در این سال و با بالا گرفتن اختلافات، دو کشور تا مرز جنگ نظامی پیش رفتند که دلیل این موضوع بدگمانی دولت ترکیه به سوریه در خصوص حمایت این کشور از حزب PKK بود. به علاوه، در اوایل دهه ۱۹۹۰ نیز برخوردهای نیروهای مرزی ترکیه و شورشیان کرد در مرز این کشور و عراق به‌طور روزانه اتفاق می‌افتاد که وقوع جنگ اول خلیج‌فارس و کاهش قدرت دولت صدام حسین بر بخش‌های شمالی نیز بر شدت آن افزود. در سال ۱۹۹۹ و با دستگیری عبدالله اوجالان، رهبر PKK (که با همکاری نیروهای امنیتی ترکیه و ماموران CIA صورت گرفت) در نایروبی، موج تازه‌ای از اعتراضات خسونت‌آمیز شکل گرفت. هم‌زمان با صدور حکم اعدام برای اوجالان، او از حزب PKK درخواست کرد که مبارزات خسونت‌آمیز را کنار گذارند که از آن زمان این حزب با تغییر نام خود به کنگره کردستان آزاد و دمکرات (KADEK)، شیوه مبارزات خود را تغییر داد و به‌نوعی پیرو سیاست ادغامی شد که موردنظر دولت ترکیه بود؛ اما سیاست ادغام با تغییر دولت ترکیه در سال ۲۰۰۳ و روی کار آمدن حزب

اعتدال و توسعه با رهبری رجب طیب اردوغان، محدودیت‌های قانونی در خصوص آزادی بیان و استفاده زبان کردی اعمال و نقش ارتش در سیاست محدود گردید. در سال ۲۰۱۲، گروه PKK بکارگاه‌های ساخت سد در ترکیه حمله برد که گزارشی رسمی در خصوص خسارات و تلفات این حملات منتشر نگردید. این حملات در سال‌های بعد نیز ادامه داشت که از مهمترین آنها می‌توان به حمله این گروه به یک سد برقی آبی در استان کارس در سال ۲۰۱۴، ربودن کارکنان پروژه سد ایلیسو (که به توقف ۴ ماه پروژه منجر شد) و حمله به نیروهای محافظ یک سد در استان دیاربکر اشاره نمود. تخمین زده می‌شود که در مبارزات شورشیان کرد و نیروهای مسلح ترکیه از ابتدا تا سال ۲۰۰۰، بیش از ۳۰۰۰۰ نفر کشته و ۴۰۰۰۰۰ نفر مفقود شده باشند که این موضوع نشان‌دهنده شدت درگیری‌ها میان دو طرف می‌باشد. در این دوران به بیش از ۳۰۰۰ روستای کردنشین حمله شده که دولت ترکیه در این حملات از ۵۰۰۰۰ نیروی نظامی استفاده نموده است. همچنین این حملات ۸ میلیارد دلار هزینه در بر داشته که بار مالی فراوانی را به دولت این کشور تحمیل کرده است (Pacific Institute, 2003: 21, 63). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که موضوع کردها و امنیت ملی ترکیه، رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر داشته و مسئله آب نیز در این میان نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند.

سه. سوریه و موضوع امنیت آبی

صنعت کشاورزی نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشور سوریه دارد به طوری که نزدیک به ۹۵ درصد آب مصرفی در این کشور صرف این امر می‌شود و مصارف خانگی و صنعتی به ترتیب ۳/۳ و ۱/۷ درصد از آب را در این کشور مورد استفاده قرار می‌دهند. در اواسط دهه ۱۹۵۰، ۷۰ درصد جمعیت این کشور در بخش کشاورزی فعال بوده و محصولات کشاورزی ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی این کشور را تشکیل می‌دادند که تا قبل از شروع بحران سوریه، این اعداد به ترتیب به ۲۲/۵ و ۲۸ درصد کاهش پیدا کرده بود. دولتمردان سوری راهبرد خودکفایی غذایی را برای مدت‌های طولانی دنبال می‌کردند که در اوایل دهه ۱۹۷۰ تا حدی نیز به این هدف نزدیک شدند؛ اما در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و با وقوع خشکسالی بزرگ و بحران نفتی، اقتصاد این کشور تضعیف گردید و بسیاری از کشاورزان این کشور به منظور پیدا کردن کار به مناطق شهری مهاجرت کردند

که این امر کاهش تولید محصولات کشاورزی و در نتیجه افزایش نیاز به واردات محصولات غذایی و همچنین وابستگی اقتصاد این کشور به منابع اندک نفتی که کیفیت پایینی دارد را افزایش داد. بر اساس تخمینی که در سال ۲۰۰۲ انجام شده است، سوریه تنها تا سال ۲۰۲۷، دارای ذخایر نفتی می‌باشد. تنها ۲۵ درصد از زمین‌های کشور سوریه قابل کشاورزی می‌باشند که تا قبل از آغاز بحران، در کمتر از ۲۰ درصد آن (معادل ۴ درصد از کل مساحت کشور) محصولات کشاورزی کشت می‌شد. همچنین میزان بارندگی در سوریه بسیار پایین و میانگین آن کمتر از ۲۵۰ میلیمتر در سال است. از مهمترین پروژه‌های سدسازی در کشور سوریه می‌توان به پروژه سد الثوره اشاره نمود که پروژه‌ای بسیار جاه‌طلبانه بود. از مهمترین اهداف این سد می‌توان به ایجاد شبکه آبیاری مناسب برای ۶۴۰ هکتار زمین کشاورزی اطراف سد و احداث نیروگاه ۸۴۰ مگاواتی برق در کنار آن اشاره نمود که مشکلات به‌وجود آمده پس از احداث سد، امکان دستیابی به اهداف مذکور را ناممکن نمود. لازم به توضیح است که مخزن ایجاد شده در پشت سد دریاچه اسد نام دارد که دارای ظرفیت ۱۰ میلیارد مترمکعبی و مساحت ۵۲۵ کیلومتر مربع می‌باشد. در حال حاضر ۳۹۷ هکتار زمین کشاورزی از آب این سد استفاده کرده و نیروگاه آن ۱۵۰ مگاواتی می‌باشد. تقاضای آب در سوریه از ۴۰۰ میلیون مترمکعب در اواسط ۱۹۷۰ با رشد تقریبی ۴۰۰ درصدی به ۱/۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۰ رسید. با توجه به شرایط موجود، دولت سوریه به‌منظور تامین آب موردنیاز مردم مجبور به بهره‌برداری حداکثری از آب‌های جاری در سطح کشور و آب‌های زیرزمینی خود می‌باشد و به‌همین منظور پروژه‌های زیادی به‌منظور استفاده از آب رودخانه‌های دیگر کشور مانند یارموک، ابوجا و بارادا و حفر بیش از سی هزار حلقه چاه (به‌خصوص در اطراف دمشق و حلب) به اجرا گذاشته است. با این حال میزان آب جمع‌آوری شده در این پروژه‌ها بسیار کمتر از میزان موردنیاز این کشور می‌باشد (MacQuarrie, 2003: 28-32).

مهمترین مناقشات آبی داخلی در سوریه نیز با ادامه خشکسالی در سوریه و در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ شکل گرفت که منجر به وقوع تنش میان مردم این کشور گردید و بسیاری از آنها مجبور به ترک خانه و شهرهای خود شدند. همچنین با آغاز بحران و جنگ داخلی در سوریه خطوط لوله و تاسیسات آبی در حلب و دمشق خسارات فراوان دیدند و این امر کمبود شدید آب آشامیدنی در این دو شهر را به وجود آورد. همچنین اشغال سدهای تیشیرین و وادی بارادا و قطع آب خروجی از

این دو سد نیز بر مشکل کم آبی مناطق شهری دامن زد. از دیگر اتفاقات مهم این کشور می‌توان به آلوده شدن آب منطقه صلاح‌الدین و شهرهای حلب، رقه و دیرالزور با نفت توسط گروه داعش در سال ۲۰۱۴، قطع آب دمشق توسط این گروه در سال ۲۰۱۵ (که منجر به کاهش ۹۰ درصدی آب ورودی به این شهر گردید و شورش‌هایی را در داخل این شهر به دنبال داشت و در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ نیز تکرار گردید)، حمله به پمپ‌ها و خطوط لوله آب در مناطق مختلف در سال ۲۰۱۶ و تسخیر سد افرین توسط نیروهای مخالف دولت سوریه با کمک ارتش ترکیه در سال ۲۰۱۸ اشاره نمود (Rudaw, 2018).

چهار. عراق و موضوع امنیت آبی

امنیت آب در عراق دارای ابعاد پیچیده و متفاوتی است که از مهمترین آنها می‌توان به نحوه استفاده از زمین، مسایل مربوط به شوری خاک و آب، موضوعات اقتصادی و امنیت غذایی و اختلافات قومی داخلی و منطقه‌ای اشاره نمود. برآورد می‌شود که دولت عراق در میان سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ حدود ۴ میلیارد دلار را صرف ساخت و احداث پروژه‌های سدسازی و تاسیسات آبی کرده که سهم قابل توجهی بودجه وقت آن کشور را داشت و این موضوع نشان دهنده اهمیت موضوع امنیت آبی برای دولتمردان عراقی می‌باشد. با این وجود و با افزایش قدرت صدام حسین به‌عنوان ریاست‌جمهوری وقت عراق و تمرکز بر روی خریدهای نظامی و تقویت ارتش باعث کاهش سرمایه‌گذاری و اعتبارات در بخش آب شد که این موضوع در کنار ناکارآمدی مدیریت آب منجر به تخریب و از بین رفتن کانال‌های آبی، عدم زهکشی مناسب و آلوده شدن آب‌های زیرزمینی به‌وسیله سموم کشاورزی و شوری آب گردید. در کنار این مسایل عدم توجه به مسایل زیست‌محیطی منجر به از بین رفتن بسیاری از زمین‌های کشاورزی (در حدود ۷۵۰۰۰۰ هکتار) گردید که با احداث سد بر روی رودخانه صدام (رود سوم) در اوایل دهه ۱۹۹۰، تلاش‌هایی برای بهبود وضعیت موجود انجام گرفت. این اقدامات باعث گردید تا نیمی از زمین‌ها به وضعیت قابل استفاده باز گردد که به‌دلیل عدم رسیدگی مناسب در سال‌های اخیر و کاهش کیفیت آب (به‌دلیل کاهش حجم آب ورودی و شور شدن و افزایش املاح آن) زمین‌های مذکور مجدداً به وضعیت سابق باز گشته است (MacQuarrie, 2003: 38-40).

همانگونه که پیشتر نیز توضیح داده شد، تقریباً نیازهای آبی این کشور از طریق دو رود دجله و فرات که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند، تامین می‌گردد. میانگین بارش باران در بسیاری از مناطق کشور عراق بسیار پایین و کمتر از ۱۵۰ میلیمتر در سال می‌باشد که بخش عمده‌ای از این بارش‌ها نیز در نهایت به رود دجله می‌ریزد. ۹۲ درصد مصرف آب در این کشور به بخش کشاورزی و تنها ۳ درصد به مصرف خانگی می‌رسد. با توجه به اهمیت کشاورزی در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سدها و مخازن آب بسیاری در عراق با هدف ذخیره آب به منظور تامین آب موردنیاز بخش کشاورزی ساخته شد. با این وجود به دلیل تبخیر زیاد (به دلیل دمای بالا به خصوص در فصول گرم که نیاز به آبیاری زمین‌های کشاورزی وجود دارد و برآورد می‌شود که در کشور عراق و به طور سالانه در حدود ۵ میلیارد مترمکعب آب تبخیر می‌شود که این میزان معادل ۱۰ درصد از منابع این کشور می‌باشد)، نوع خاک و مشکلات ناشی از انتقال آب به دشت‌ها، پروژه‌های مذکور نتوانستند راندمان مطلوب را داشته باشند. لازم به توضیح است که به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و ژئوتکنیکی کشور عراق، ساخت کانال‌ها، مخازن و سدها در این کشور بسیار هزینه‌بر می‌باشد که این موضوع سرمایه‌گذاری بر روی تاسیسات آبی را توسط دولت و بخش خصوصی (داخلی و خارجی) بسیار پیچیده، فنی و دشوار می‌کند و انجام پروژه‌های مذکور علاوه بر نیاز به منابع مالی فراوان، لزوم انجام تحقیقات گسترده و زمان‌بر را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. براساس تحقیقات صورت گرفته حجم منابع تجدیدپذیر آب در کشور عراق برابر با ۷۵/۵ میلیارد متر مکعب در سال بوده که ۴۰/۳ میلیارد مترمکعب آن به وسیله منابع آبی خارجی (دو رودخانه دجله و فرات) تامین می‌گردد و با اجرای کامل پروژه GAP برآورد می‌گردد که در سال ۲۰۴۰، حجم منابع تجدیدپذیر این کشور به ۵۱ میلیارد مترمکعب کاهش یابد. در گذشته صنعت کشاورزی نقش بسیار مهمی را در اقتصاد عراق ایفا می‌نمود که به تدریج این نقش کم‌رنگ شد به طوری که سهم ۷۰ درصدی این بخش در دهه ۱۹۲۰ به ۴۲ درصد در سال ۱۹۸۱، ۱۸ درصد در سال ۱۹۹۰ و کمتر ۶ درصد در سال ۲۰۰۱ رسید. این موضوع تاثیر خود را در واردات مواد غذایی به وضوح نشان داده و عراق را از کشوری خودکفا در زمینه مواد غذایی به کشوری تبدیل نمود که در اواخر دهه ۱۹۸۰، بیش از ۸۰ درصد نیاز خود به این مواد را از خارج وارد می‌نمود. رشد سریع صنعت نفت، خشکسالی‌های متوالی و شدید، رشد سایر صنایع، مهاجرت کشاورزان به شهرها، وقوع جنگ‌های مختلف، کاهش سرمایه‌گذاری دولت

در بخش کشاورزی، کاهش میزان بهره‌وری خاک از جمله دلایل بروز این اتفاق بود (MacQuarrie, 2003: 41-42, 46-47).

در خصوص تنش‌های آبی این کشور نیز پس از سال ۲۰۰۰ می‌توان به این موضوع اشاره نمود که از سال ۲۰۰۳ و پس از حمله آمریکا به عراق، تاسیسات آبی این کشور همواره یکی از اهداف حملات تروریستی بوده است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد بسیاری مانند حمله به تاسیسات آبی شهر صدر و بمب‌گذاری خطوط لوله آب شهر بغداد در سال ۲۰۰۳، انفجار خط لوله آب بغداد (که باعث اختلال در آبرسانی به دو میلیون نفر از ساکنین این شهر گردید)، اختلال در انتقال برق به تاسیسات آبی بغداد در سال ۲۰۰۵، آلوده شدن آب دجله بر اثر نشت نفت (که ناشی از حمله تروریستی به خطوط لوله نفت بود) در سال ۲۰۰۷، تخریب یک ایستگاه آبرسانی در سال ۲۰۰۸، حمله به سد فلوجه، اشغال سدهای حدیثه و موصل توسط داعش در سال ۲۰۱۴، حمله بکارکنان ایرانی شاغل در پروژه آب کرکوک و قطع آب خروجی سد الرمادی توسط داعش در سال ۲۰۱۵، نابودی سیستم تصفیه آب موصل توسط همین گروه در سال ۲۰۱۷ و درگیری‌های قومی بر سر منابع آب محلی با دو کشته در سال ۲۰۱۸ اشاره نمود. همچنین حملات بسیاری نیز بدون داشتن تلفات و خسارات توسط گروه‌های مختلف انجام شده است که این موضوع در کنار ترور و ربودن افراد شاغل در پروژه‌های آبی این کشور، بیان‌گر اهمیت مقوله آب در این کشور می‌باشد (Pacific Institute, 2019).

پنج. همکاری و مناقشات سه کشور ترکیه، عراق و سوریه بر سر منابع آبی

اولین تلاش به‌منظور ایجاد تاسیسات آبی در این حوضه در دوران پس از جنگ جهانی دوم، توسط کشور سوریه انجام گرفت که در سال ۱۹۵۰ از بانک جهانی تقاضای وام جهت انجام پروژه‌های آبرسانی و آبیاری آن کشور نمود. همچنین این کشور پروژه احداث سد اورونتس را در سال ۱۹۵۶ آغاز نمود. به‌علاوه اولین موافقتنامه در این زمینه میان دو کشور عراق و سوریه و در سال ۱۹۶۲ به امضا رسید که بر اساس آن دو کشور اقدام به تبادل اطلاعات مربوط به رودخانه‌های مشترک نمودند. اولین مذاکرات سه جانبه میان سه کشور ترکیه، سوریه و عراق بدون داشتن نتیجه‌ای خاص در سال ۱۹۶۵ انجام گرفت. در همین سال ترکیه پروژه سد کبان را آغاز و به سوریه

تعهد داد که آب ورودی به آن کشور از ۳۵۰ مترمکعب در ثانیه کمتر نگردد (Carkoglu, e.i., 2001). مناقشه دیگر دو کشور بر سر رود کوچک الاسی می‌باشد که در مقایسه با رودهای دجله و فرات رود کوچکی محسوب می‌شود و از کوه‌های لبنان سرچشمه گرفته و با عبور از سوریه به دریای مدیترانه می‌ریزد. این رود در انتهای مسیر خود از الکساندریه عبور می‌کند، ترکیه تقاضای مذاکره در خصوص آن را به سوریه داده است. در مقابل سوریه اعلام کرد که با توجه به اینکه انتقال مالکیت الکساندریه را به ترکیه توسط فرانسه غیر قانونی می‌داند، ادعای ترکیه را رد و آن را قانونی نمی‌داند (Abu Ju, ub, 2003: 2).

با تکمیل سدهای کبان و فرات توسط ترکیه و سوریه در سال ۱۹۷۳، کشور عراق دچار بحران آب گردید که این موضوع، دو کشور سوریه و عراق در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ تا مرز جنگ نظامی پیش برد. در آن زمان عراق ادعا می‌کرد که با اجرای این پروژه، زندگی سه میلیون عراقی به نابودی کشیده خواهد شد. در آن زمان عراق، سوریه را تهدید به بمباران سد الثوره نمود و حجم بالایی از نیروهای خود را به مرز مشترک با سوریه منتقل نمود. در سال ۱۹۷۵ و با بالا گرفتن تنش‌ها، دولت عراق از اتحادیه عرب تقاضای مداخله نمود که سوریه در پاسخ، نیروهای خود را به مرز منتقل و راه هوایی خود را بر روی عراق بست. سرانجام این تنش با میانجی‌گری عربستان سعودی به پایان رسید. در سال ۱۹۷۶، ترکیه ساخت سد کاراکایا را آغاز نمود که این مسئله نیز باعث تنش میان این کشور و سوریه گردید که در نهایت ترکیه به منظور جذب سرمایه خارجی و دریافت وام از بانک جهانی به منظور تکمیل این سد، ناگزیر به ارایه تضمین رهاسازی حداقل ۵۰۰ مترمکعب آب در ثانیه به سمت کشور سوریه شد. اولین کمیسیون مشترک در این حوضه آبی در سال ۱۹۸۰ میان دو کشور ترکیه و عراق تشکیل و اولین نشست آن دو سال بعد انجام پذیرفت که یک سال بعد از آن سوریه نیز به این کمیسیون پیوست. در همان زمان ترکیه از سوریه درخواست قطع حمایت آن کشور از گروه‌های شبه‌نظامی کرد را نمود که با موافقت سوریه مواجه شد (برقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷).

سد بزرگ آتاتورک در سال ۱۹۸۳، توسط ترکیه آغاز و ده سال بعد به مرحله بهره‌برداری رسید. در سال ۱۹۸۴، اتفاقی مهم در این حوضه آبی به وقوع پیوست که شامل امضا پیمان امنیتی میان ترکیه و عراق می‌شد که بر اساس آن نیروهای نظامی دو کشور اجازه تعقیب گروه‌های شبه‌نظامی مخالف خود را در خاک کشور دیگر و تا عمق ۵ کیلومتری پیدا کردند. در سال ۱۹۸۷ دو پروتکل

میان دو کشور سوریه و ترکیه در خصوص انتقال آب و موضوعات امنیتی (در خصوص PKK) به امضا رسید. دو سال بعد و در خلال اجلاس سیزدهم کمیسیون مشترک، عراق و سوریه در خصوص سهم هر کشور از رود فرات توافق کردند. در همین سال درگیری نظامی میان ترکیه و سوریه به دلیل عدم پایبندی سوریه به توافق امنیتی میان دو کشور (به گفته ترکیه) اتفاق افتاد. در سال ۱۹۹۰، عراق و سوریه در خصوص نحوه استفاده از آب فرات به نسبت ۴۲٪ برای سوریه و ۵۸٪ برای عراق توافق کردند. در همین زمان و با عدم پذیرش درخواست عراق از ترکیه مبنی بر آزادسازی حداقل ۷۰۰ مترمکعب آب در ثانیه به سوی سوریه، این کشور توافقنامه ۱۹۸۴ خود با ترکیه را ملغی اعلام نمود. در سال ۱۹۹۱، ترکیه پروژه احداث خط لوله صلح را به سایر کشورها پیشنهاد داد و سوریه نسبت به کاهش آب ورودی از ترکیه به این کشور اعتراض نمود. ترکیه درخواست عراق در سال ۱۹۹۲ و کشورهای عربی در سال ۱۹۹۵ را در خصوص افزایش حجم آب ورودی به دو کشور عراق و سوریه رد نمود. در سال بعد نیز اقدام ترکیه در خصوص ساخت سد بریک مورد اعتراض دو همسایه جنوبی و اتحادیه عرب قرار گرفت. در سال ۱۹۹۸، سوریه با درخواست ترکیه مبنی بر بستن کمپ‌های PKK در این کشور موافقت نمود و این گروه را گروهی تروریستی نامید. در سال ۲۰۰۰ و با درگذشت حافظ اسد (رئیس‌جمهور وقت سوریه) روابط سه کشور دستخوش تحولات زیادی گردید (Carkoglu, e.i., 2001: 66-68).

به‌علاوه تشکیل کمیته مشترک ترکیه و سوریه در سال ۲۰۰۱ و توافق سوریه و عراق بر سر احداث ایستگاه پمپاژ بر روی رودخانه دجله در سال ۲۰۰۲ و تاسیس سازمان آب توسط کشورهای سوریه، عراق و ترکیه از دیگر توافقات مهم مربوط به این حوضه آبریز بوده است. بسیاری از پژوهش‌گران و کارشناسان، پروژه‌های آبی ترکیه را دلیل مشکلات آبی در عراق و بحران ریزگردها در جنوب غرب آسیا می‌دانند. پروتکل همکاری‌های اقتصادی موقت در مورد کمیت آب در سال ۱۹۷۸ بین ترکیه و سوریه به امضا رسید که بر اساس آن می‌بایست سالانه ۱۶ میلیارد مترمکعب آب وارد خاک سوریه شود (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۰۶). در سال ۲۰۰۲ نیز دو کشور عراق و ترکیه در خصوص تبادل اطلاعات هیدرولوژیکی، هواشناسی و تجربیات آبی خود توافقنامه‌ای را به امضا رساندند. در همین سال، شورای همکاری‌های راهبردی ترکیه و سوریه به منظور فعالیت‌های مشترک در زمینه آب از جمله بهبود کیفیت آب، ساخت ایستگاه‌های پمپاژ و سدهای مشترک و

توسعه سیاست مشترک آبی توافق کردند (MacQuarrie, 2003: 63).

شش. تحلیل تاثیر مناقشات بر امنیت سه کشور ترکیه، سوریه و عراق

مناقشه بر سر میزان حقابه دجله و فرات در کنار عواملی، مانند حمایت دمشق از جدایی طلبان کرد، پناه دادن به عبدالله اوجالان و موضوع حاکمیت منطقه هاتای یا اسکندرون دستخوش تنش‌های بسیاری بوده است. ترکیه و سوریه از دیرباز دارای اختلاف مرزی و امنیتی بوده که موضوع سدسازی‌های ترکیه بر دو رود مذکور نیز به آنها اضافه شده است (روحی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). دولتمردان ترکیه بر این باورند که روزی فرا خواهد رسید که اعراب در ازای آب، حاضر خواهند بود که به این کشور نفت دهند و به عبارت دیگر در نظر دارند که از آب به عنوان یک سلاح استراتژیک مهم در مقابل اعراب ثروتمند استفاده نمایند. با توجه به احداث سد در ترکیه و کاهش حجم آب ورودی به عراق، ایران نیز می‌تواند از طریق رودهایی که از این کشور به عراق وارد می‌شوند، دولت عراق را مجبور به انجام خواسته‌های خود نماید. در ادامه در خصوص ۵ وجه امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ در مورد این حوضه آبریز توضیحاتی ارائه می‌گردد.

۱-۶. امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی

با توجه به وضعیت معیشتی کردهای ترکیه و اشتغال بسیاری از ساکنین هر سه کشور ترکیه، عراق و سوریه در بخش کشاورزی، امنیت در زمینه اجتماعی و اقتصادی برای دولتمردان هر سه کشور اهمیت بسیاری دارد. مبارزات مسلحانه کردهای ترکیه همواره یکی از معضلات این کشور بوده است و این موضوع منجر به عدم توجه مسئولین آن کشور به وضعیت معاش و آزادی این مردم شده بود. با گذشت زمان و حل نشدن این مشکل به وسیله بکارگیری خشونت و اعمال فشار از سوی دولت و ارتش ترکیه، دولت آن کشور تصمیم به تغییر رویه در این خصوص گرفت و یکی از مهمترین دلایل اجرای پروژه GAP نیز ارتقا سطح زندگی مردمان کرد ساکن در مناطق جنوبی آن کشور بوده که از این طریق جذب ملت ترکیه شده و اختلافات خود با دولت مرکزی را کنار گذارند. از سوی دیگر همان گونه که در این بخش بدان پرداخته شد دو کشور عراق و سوریه نیز وابستگی بسیار زیادی به دو رود دجله و فرات دارند. با کاهش حجم آب ورودی به این دو کشور، صنعت کشاورزی آنها رشد منفی شدیدی را تجربه خواهد نمود و این دو کشور را با معضل بیکاری،

مهاجرت مواجه خواهد نمود. به علاوه این موضوع که دو کشور به دلایل بسیار (از جمله تجربه جنگ‌های داخلی ویران‌گر) دارای اقتصاد بسیار ضعیفی می‌باشند، تامین مواد غذایی برای مردم این کشورها نیز بسیار مشکل خواهد بود که این مسئله می‌تواند برای دولت‌های مرکزی در عراق و سوریه مشکلات بسیاری را ایجاد نماید.

۶_۲. امنیت زیست‌محیطی

بی‌توجهی به باتلاق هورالعظیم و هورالهویزه (در جنوب غربی ایران و جنوب شرقی عراق) در پایین دست این حوضه موجب خسارات جبران‌ناپذیر زیست‌محیطی به این دو کشور شده است و تبعات کنترل آب توسط ترکیه، عراق و سوریه و همچنین ایران به صورت پدیده ریزگردها و غبارهای مختل‌کننده در نواحی غربی، جنوب غربی و مرکزی ایران، خود را نشان داده است. در حال حاضر و به دلیل بروز مشکلات اکوسیستمی در منطقه هور (که از کاهش حجم آب ورودی به آن به علت ساخت سدهای مختلف در ترکیه، سوریه، عراق و ایران ناشی می‌شود) و همچنین خشک کردن بخش‌هایی از این منطقه به دلیل ساخت تاسیسات نفتی، ماسه‌های نرم در آن منطقه به وسیله بادهای سودانی در سه فصل سال (بهار، پاییز و زمستان) به سمت ایران حرکت کرده و پدیده انتشار ریزگردها را موجب می‌شود (عراقچی، ۱۳۹۳: ۱۰۹، عراقچی، ۱۳۹۴: ۱۲۰، ۱۲۵).

امروزه اکوسیستم این منطقه به علت بهره‌برداری مداوم از منابع طبیعی (منابع آبی، چراگاه‌ها، زمین کشاورزی، جنگل‌ها و غیره)، وقوع جنگ‌ها و درگیری‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی (جنگ ایران و عراق، آمریکا و عراق، ترکیه و کردها و بحران داعش)، طرح‌های کنترل آب توسط سه کشور ایران، ترکیه و عراق (که موجب خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌های عراق گشته و ریزگردهای آنها توسط باد به ارتفاعات زاگرس حمل می‌شوند)، بیابان‌زایی و جنگل‌زدایی، تغییرات آب و هوایی و مدیریت نامناسب منابع طبیعی از لحاظ زیست‌محیطی دچار مشکلات عدیده‌ای شده است و حل این مشکل به صورت جداگانه و توسط کشورهای مذکور غیرممکن به نظر می‌رسد (عراقچی، ۱۳۹۳: ۱۰۸-۱۰۹).

۶_۳. امنیت سیاسی

از زمان تشکیل سه کشور ترکیه، عراق و سوریه، همواره مشروعیت دولت مرکزی، توسط اقوام کرد ساکن در این کشورها مورد تهدید بوده است و موضوع قیام‌های مسلحانه و خشونت‌آمیز کردها

(به‌خصوص در ترکیه و عراق) با هدف خودمختاری و یا استقلال، از دغدغه‌های این دولت‌ها می‌باشد که قیام درسین و مبارزات گروه PKK علیه دولت ترکیه از معروف‌ترین این مبارزات می‌باشد. همان‌گونه که در بخش امنیت اجتماعی و اقتصادی توضیح داده شد، دولت ترکیه در خصوص معضل کردها به این نتیجه رسیده است که سیاست سخت (راهبردهای خشونت‌آمیز) چاره کار نبوده و در نتیجه به‌صورت هم‌زمان به‌دنبال اجرای سیاست نرم (از طریق گفتگو و مذاکره) و حذف فقر و ایجاد زیرساخت در مناطق کردنشین (که توسعه نیافته‌ترین منطقه در این کشور هستند) می‌باشد که با اجرای پروژه‌های آبی در این مناطق به‌دنبال دستیابی به این هدف می‌باشد. لازم به توضیح است که روند مذاکرات نیز همواره با فرازونشیب بسیار همراه بوده است.

در خصوص کردهای عراق نیز می‌بایست به این موضوع اشاره نمود که مبارزات استقلال‌طلبانه کردهای این کشور از سال ۱۹۶۱، آغاز گردید که در سال ۱۹۹۱، به شکل‌گیری خودمختاری و تشکیل دولت فدرالی در این کشور منجر شد و این موضوع در کنار اقدامات سرکوب‌گرایانه دولت صدام حسین امکان ایجاد پیوند میان اقوام کرد و ملت عراق را ناممکن نمود. همچنین همه‌پرسی سال ۲۰۱۷ که توسط دولت اقلیم کردستان انجام گرفت در عراق نشان داد که دولت این کشور مشروعیت چندانی را در این ایالت نداشته و ساکنین کرد این کشور به‌دنبال یافتن راهی به‌منظور کنار زدن دولت مرکزی می‌باشند که به‌نظر می‌رسد در صورت عدم دستیابی به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز، احتمال وقوع درگیری‌های مسلحانه نیز در این سرزمین وجود دارد.

۴-۶. امنیت نظامی

بر اساس مطالب ذکر شده در این پژوهش، اگرچه یک تنش با موضوع آب میان کشور عراق و سوریه، آنها را تا مرز درگیری نظامی پیش برده است؛ اما تاکنون درگیری نظامی میان هیچ‌یک از این کشورها بر سر موضوع آب رخ نداده است و با توجه به قدرت برتر نظامی ترکیه، ضعف نظامی دو کشور عراق و سوریه که بر اثر وقوع جنگ‌های خارجی و داخلی ایجاد شده است و موقعیت جغرافیایی این دو کشور و محل قرارگیری سدها که در صورت انجام اقدامات خرابکارانه و شکسته شدن سدها، مناطق گسترده‌ای از این کشورها به زیر آب خواهد رفت و خسارات فراوانی به این دو کشور تحمیل خواهد شد، امکان درگیری نظامی محدود و یا گسترده بر سر منابع آبی وجود ندارد. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که مناقشات آبی در حوضه آبریز رودهای

دجله و فرات ۴ وجه امنیت (امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی) را با تهدید مواجه خواهد نمود و در صورتی که در خصوص حل این معضل اقدامات موثر و جدی صورت نگیرد، در آینده‌ای نزدیک تنش‌های بسیار جدی میان سه کشور ترکیه، عراق و سوریه ایجاد خواهد شد.

نتیجه‌گیری

شکست سیاست‌های سخت دولت ترکیه در ادغام اقوام کرد این کشور در ملت ترکیه و تلاش برای افزایش رفاه ساکنین منطقه جنوب شرقی و کردنشین ترکیه دلیل اولیه تعریف پروژه GAP بوده که با گذشت زمان اجرای سیاست‌های توسعه‌طلبانه در قبال دو کشور سوریه و عراق و استفاده از اهرم آب به منظور اعمال فشار بر دو کشور مذکور نیز به اهداف این کشور در خصوص اجرای این پروژه اضافه گردید. دغدغه‌های مربوط به امنیت آبی در خصوص حوضه آبریز دو رودخانه دجله و فرات در دو کشور عراق و سوریه کاملاً مشابه است و هر دو کشور در خصوص اجرای پروژه‌های مربوط به تاسیسات آبی در کشور ترکیه که منجر به کاهش حجم آب ورودی به دو کشور می‌شود، معترض بوده و خواهان دستیابی به حقوق تاریخی و معاصر خود می‌باشند. این دو رودخانه تامین‌کننده اصلی نیازهای خانگی، غذایی و پروژه‌های آبی این کشورها بوده و به همین دلیل سیاست اصلی دولتمردان آنها بر استفاده حداکثری از این منابع و با هدف افزایش سطح رفاه و مشروعیت داخلی خود می‌باشد. از این رو اجرای پروژه GAP توسط کشور ترکیه از یک سو و اعمال تحریم‌های بین‌المللی در خصوص کشور عراق، جنگ‌های متعدد داخلی و منطقه‌ای و اختلافات قومی و مذهبی شدید از سوی دیگر، دو کشور عراق و سوریه را در موقعیت بسیار نامطلوبی از نظر تامین امنیت آبی قرار داده است. علاوه بر موارد مذکور، شکل‌گیری بحران داعش نیز منجر به از بین رفتن بخشی از تاسیسات آبی دو کشور گردید و بر شدت بحران افزود.

با اجرای پروژه‌های GAP و کاهش ورود آب به دو کشور عراق و سوریه، در کنار شکل‌گیری معضلات و تهدیدات زیست‌محیطی، (مانند بروز پدیده گرد و غبار و خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها)، صنعت کشاورزی این کشورها با مشکلات جدی مواجه گردیده که این موضوع به معضلاتی از قبیل مهاجرت، بیکاری و فقر دامن می‌زند و موجب ایجاد تهدیدات اجتماعی و اقتصادی خواهند شد. در کنار این مسایل، هر سه کشور می‌کوشند تا با بهره‌برداری حداکثری از منابع آبی

دجله و فرات و افزایش سطح رفاه شهروندان به معضل مشروعیت (به خصوص در مواجهه با موضوع کردها در هر سه کشور) و تهدیدات سیاسی دولت‌های خود پایان دهند و کاهش حجم آب ورودی به دو کشور عراق و سوریه، این دو کشور را با بحران جدی عدم مشروعیت داخلی مواجه خواهد نمود. در حال حاضر، به دلیل توان نظامی بالای ترکیه و عضویت این کشور در ناتو و همچنین محل قرارگیری سدها، نمی‌توان درگیری نظامی محدود و یا گسترده را میان سه طرف متصور بود. با این حال به نظر می‌رسد که در صورت عدم حل موضوع منابع آبی مشترک و همچنین افول قدرت نظامی ترکیه و یا قدرت گرفتن سوریه و عراق احتمال درگیری نظامی نیز دور از تصور نخواهد بود. بر اساس مطالب ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که تنش‌های آبی، امنیت دو کشور سوریه و عراق را در ۴ وجه اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی مورد تهدید قرار داده است و به همین دلیل این کشورها ناچار به حل این معضل می‌باشند.

فهرست منابع:

- ۱- آدمی، علی. (۱۳۹۴)، «نقد نظریه فرهنگ امنیت ملی با تامل در آثار باری بوزان و مکتب کپنهاگ»، دو فصلنامه علمی- تخصصی تحول در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۵.
- ۲- ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۸۶)، «تاملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ویکم، شماره ۲.
- ۳- اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر، احمدی فشارکی، حسنعلی. (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ۴- برقی، حمید، قنبری، یوسف. (۱۳۸۹)، «بحران آب، چالش اساسی جهان اسلام»، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- ۵- بزی، خدارحم، خسروی، سمیه، جوادی، معصومه، حسین نژاد، مجتبی. (۲۰۱۰)، «بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)»، کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- ۶- بوزان، باری. (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، باری بوزان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- بوزان، باری، ویور، الی. (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، ترجمه: قهرمان‌پور، رحمن، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- بوزان، باری، دووید، پاپ، ویور، الی. (۱۳۹۲)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه: طیب، علیرضا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- خانی، عبدالله. (۱۳۹۶)، نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۰- رفیعی سقالساری، امیر. (۱۳۹۵)، جنگاب، بحران آب در جهان، تهران: شینه.
- ۱۱- سازمند، بهاره. (۱۳۹۲)، «مکتب کپنهاگ و امنیت زیست‌محیطی خلیج فارس: واکاوی فعالیت‌های سازمان راپمی»، نهمین همایش ملی خلیج فارس، تهران.
- ۱۲- عراقچی، سید عباس. (۱۳۹۳)، «دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری»، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره چهارم.
- ۱۳- عراقچی، عباس. (۱۳۹۴)، دیپلماسی آب‌های فرامرزی و نظام بین‌الملل: درس‌هایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمد، فتحی، محمدجواد. (۱۳۹۳)، «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد براساس مکتب کپنهاگ»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال پنجم، شماره چهاردهم.
- ۱۵- کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۹۷)، امنیت زیست‌محیطی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۶- موغلی، مرضیه، زاهدی، اسعد. (۱۳۹۵)، هیدروپلیتیک اروندرود (بر اساس اسناد تاریخی و پژوهش‌های

جغرافیایی)، انتشارات انتخاب.

۱۷- وثوقی، سعید، مرادی‌فر، سعیده، صفری، عسگر. (۱۳۹۱)، «تحلیل موضوع‌های امنیتی قفقاز جنوبی بر اساس

نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۱.

18- Abu Ju'ub, Ghassan. (2003), Water conflicts in the Middle East between the present and the future, Published on the internet by Ibn Rushd Forum for Freedom of Thought. Internet site: <http://www.ibn-rushd.org/forum/water.pdf>.

19- Agence France-Presse. (2015), "PKK kills Turkish soldier, abducts customs officials - army." Jordan Times, August 23. Accessed March 5, 2018. <http://www.jordantimes.com/news/region/pkk-kills-turkish-soldier-abducts-customs-officials-%E2%80%94army>.

20- Bulos, N, (2014), "In Syria, residents of Aleppo struggle with a water shortage." Los Angeles Times, May 13, <http://www.latimes.com/world/middleeast/la-fg-syria-aleppo-water-shortage-20140512-story.html>.

21- Çarkoğlu, Ali, EderSource, Mine, (2001), Domestic Concerns and the Water Conflict over the Euphrates-Tigris River Basin, Middle Eastern Studies, Vol. 37, No. 1.

22- Glass, S. (2017), "Twisting the Tap: Water Scarcity and Conflict in the Euphrates-Tigris River Basin." (ISP) Collection. 2594, http://digitalcollections.sit.edu/isp_collection/2594.

23- Kreiter, M. (2014), "White House Acknowledges Iraqi Airstrikes To Retake Mosul Dam Area." International Business Times/Reuters, August 17, <http://www.ibtimes.com/white-house-acknowledges-iraqi-airstrikes-retake-mosul-dam-area-1660806>.

24- MacQuarrie, Patrick. (2003), Water security in the Middle East: Growing conflict over development in the euphratestigris basin, M.Phil International Peace Studies Trinity College, Dublin, Ireland.

25- Maler, S. (2014), "Mosul Dam: U.S. Airstrikes Pound ISIS Militants Holding Key Iraqi Facility." International Business Times/Reuters, August 17, <http://www.ibtimes.com/mosul-dam-us-airstrikes-pound-isis-militants-holding-key-iraqi-facility-1660630?rel=rel2>.

26- Mroue, B. (2012), "Activists: Syrian rebels seize major dam in north." The Daily Star, Lebanon, November 26. <http://www.dailystar.com.lb/News/Middle-East/2012/Nov-26/196180-activists-syrian-rebels-seize-major-dam-in-north.ashx>.

27- Pacific Institute. (2019), Water Conflict Chronology. Pacific Institute, Oakland, CA, <http://www.worldwater.org/conflict/list/>

28- RDWTI. (2018), RAND Database of Worldwide Terrorism Incidents. Accessed February 2018. <https://www.rand.org/nsrd/projects/terrorism-incidents/download.html>.

29- Reznick, A. (2016), Weaponizing Syria's Water. Boston Review, January 4. <http://www.bostonreview.net/world/syria-water-alisa-reznick>.

- 30- Rudaw. (2018), "Afrin IDPs face new crisis as Turkey threatens operation on Tal Rifaat." March 26. Accessed March 26, 2018. <http://www.rudaw.net/english/middleeast/syria/26032018>.
- 31- Staff, Reuters. (2014), "Three Kurdish militants killed in attack on Turkish power plant." October 24, <https://ca.reuters.com/article/topNews/idCAKCN0ID0SJ20141024>.
- 32- Stratfor. (2016), "Dams Power Turkey's Conflict with the Kurds." June 23, <https://worldview.stratfor.com/article/dams-power-turkeys-conflict-kurds>.

